



تاریخ وصول: ۱۳۸۵/۱/۷

تاریخ تأیید: ۱۳۸۵/۶/۵

بررسی آمادگی ذهنی دانشجویان مراکز دانشگاه پیام‌نور استان همدان برای مشارکت سیاسی

امیر ملکی*

دانشجویان است؛ دیگر اینکه جنسیت نه بر گرایش‌های ارزشی دانشجویان تأثیر دارد و نه بر آمادگی ذهنی آنان برای مشارکت سیاسی؛ و نتیجه نهایی اینکه می‌توان معادله رگرسیونی زیر را برای پیش‌بینی آمادگی ذهنی دانشجویان برای مشارکت سیاسی به کار گرفت:

(گرایش‌های ارزشی) $۳/۱۶ + ۴۵/۵۶ =$ آمادگی ذهنی برای

مشارکت سیاسی

کلیدواژه: مشارکت سیاسی دانشجویان، گرایش‌های ارزشی، آمادگی ذهنی، دانشگاه پیام‌نور.

طرح مسئله

مشارکت یکی از ارزش‌های مهم اخلاقی - اجتماعی است که حاوی عنصری از مسئولیت‌پذیری و عمل

* عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام‌نور، مرکز تهران.

چکیده: مطالعه نگرش سیاسی دانشجویان و عوامل مؤثر بر آن می‌تواند برای برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران جامعه دانشگاهی بینش مناسبی نسبت به مسائل دانشجویی ایجاد نماید. تحقیق حاضر به بررسی تأثیر دو عامل جنسیت و گرایش‌های ارزشی دانشجویان بر آمادگی ذهنی آنان برای مشارکت سیاسی پرداخته است. جامعه آماری این تحقیق عبارت‌اند از کل دانشجویان مراکز دانشگاه پیام‌نور استان همدان که از میان آنها تعداد ۵۴۰ نفر به روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفتند. روش تحقیق پیمایش و تکنیک جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه بوده است. جهت سنجش میزان آمادگی ذهنی دانشجویان برای مشارکت سیاسی از طیف لیکرت و برای تعیین گرایش‌های ارزشی آنان از سنجه دوازده ارزشی اینگلهارت استفاده شده است. نتایج حاصله حاکی از تسلط ارزش‌های مادی و وجود آمادگی لازم برای مشارکت سیاسی در بین

دانشگاهی و روشنفکر جامعه نموده است. اهمیت قشر دانشگاهی، به ویژه دانشجویان، نکات خاص خود را دربردارد. از خصوصیات برجسته دانشجویان امروز، مشارکت فعالشان در امور فرهنگی، اجتماعی و سیاسی است. «مشارکت دانشجویان در تحولات اجتماعی جوامع، به عنوان یک اصل مسلم برای صاحب‌نظران دانشگاهی و روشنفکران پذیرفته شده است» (آقاسی زاده، ۱۳۶۸: ۶۳). از این‌رو دست یافتن به چگونگی نگرش سیاسی دانشجویان و عوامل موثر بر آن می‌تواند به برنامه‌ریزان و سیاست‌گزاران جامعه دانشگاهی بینش مناسبی نسبت به مسائل دانشجویان اعطاء کند.

دانشگاه پیام‌نور از جمله ابردانشگاه‌هایی است که با اعلام شعار «آموزش برای همه کس، همه جا و همه وقت»، با در پیش گرفتن سیستم آموزش از راه دور، تنوع گسترده‌ای از دانشجویان برخاسته از اقشار مختلف جامعه را دربرگرفته است. از این‌رو، با توجه به دیدگاه باتامور که معتقد است رشد دانشگاه‌ها همراه با گسترش آموزش، شکل‌گیری یک طبقه روشنفکر را که اعضایش از محیط‌های اجتماعی مختلف تأمین می‌شد ممکن ساخته است (باتامور، ۱۳۷۱: ۷۸-۷۹)، شکل‌گیری قشر دانشجو در شهرستان‌های کوچک و نحوه مشارکت سیاسی-اجتماعی آنان نیازمند مطالعه بیشتر است. از سوی طرف دیگر، موفقیت نهادهای مدنی _ دانشگاهی همانند انجمن‌ها و کانون‌های علمی، سیاسی، اجتماعی و صنفی در این دانشگاه موقوف به سنجش میزان آمادگی ذهنی دانشجویان برای مشارکت است. بنابراین، با در نظر گرفتن این پیش‌فرض که امروزه سیاسی بودن یکی از ویژگی‌های گریزناپذیر مراکز دانشگاهی است، این پژوهش با هدف سنجش نگرش دانشجویان به مشارکت سیاسی یا به بیان دیگر بررسی میزان آمادگی ذهنی دانشجویان برای مشارکت سیاسی در

آگاهانه و آزادانه است. زندگی اجتماعی همواره بر پایه مساعدت و مشارکت استوار بوده است. مشارکت در زندگی تا بدان اندازه اهمیت دارد که ارسطو آن را محور زندگی سیاسی قرار داده و «شهروند» را کسی می‌داند که «از حق شرکت در امور قضایی و شواری برخوردار است» (باور، ۱۳۷۴: ۱).

مشارکت عبارت است از حضور و دخالت آگاهانه، هوشیارانه، خلاق و متعهدانه افراد و اقشار مختلف شهری و روستایی در تصمیم‌گیری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و فعالیت‌های انجمن‌ها و تشکل‌های حرفه‌ای و محلی اجتماع یا منطقه خود، همچنین، حضور و همکاری در تصمیم‌گیری‌ها، فعالیت‌های اجتماعی اقتصادی و سیاسی جامعه کل. مشارکت سیاسی بر مبنای دخالت در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و سیاست‌های اداره عمومی، شرکت در جلسات، مباحث و اعتراضات سیاسی و تأثیرگذاری بر فرآیند انتخابات رهبران سیاسی در سطوح ملی، منطقه‌ای از طریق تشکیل گروه‌ها، دسته‌ها و انجمن‌ها یا احزاب سیاسی تعریف می‌شود. بسیاری از متفکران، مشارکت سیاسی مردم را از شاخص‌های نوسازی سیاسی قلمداد می‌کنند. «نوسازی سیاسی فرایندی است که با گسترش و توسعه ساخت سیاسی جامعه، افزایش مشارکت سیاسی، پیدایش نهادهایی همچون احزاب و انجمن‌های سیاسی، و در نهایت، دموکراتیک شدن جامعه همراه است» (ازکیا، ۱۳۷۹: ۲۵).

در دو دهه اخیر کشور ما مسائلی همچون انقلاب، جنگ، تهاجم فرهنگی و دوران سازندگی را پشت سر گذاشته است که همه این مسائل حضور گسترده مردم و مشارکت آنها را در صحنه‌های مختلف به همراه داشته است. از سوی دیگر، مطرح شدن مفاهیمی همچون توسعه، عدالت، برابری و .. بیشتر از تمام اقشار جامعه، نگاه‌ها را معطوف به قشر

روانی، شخصیتی اجتناب می‌کند، فرایندها و پیامدهای حاصل از فعالیت و تعامل خرده نظام‌های پهن دامنه اجتماعی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه را منابع اصلی فعالیت‌های مشارکتی افراد ذکر می‌کنند.

دیدگاه روان‌شناختی

در دیدگاه روان‌شناختی، مشارکت بر عوامل روانی و درونی تأکید فراوان می‌شود. از این منظر، متغیرهای درونی، همان تفاوت‌های منشی در سائقه‌ها و ظرفیت‌هایی هستند که سبب می‌شوند افراد از حیث آمادگی برای عکس‌العمل‌های گوناگون در برابر محرک‌های سیاسی - اجتماعی و یا ترغیب مشارکت در مسائل اجتماعی، متفاوت باشند. اندیشمندانی که در بررسی عوامل مرتبط با فعالیت‌های مشارکتی افراد، عوامل درونی را ذکر کرده‌اند، ساخت سائقی انگیزش را تعیین‌کننده رفتار اجتماعی اقتصادی و سیاسی آنها دانسته‌اند. در دیدگاه روان‌شناختی مشارکت بر سه عامل انگیزه، سائقه و ویژگی‌های شخصیتی به عنوان عوامل تعیین‌کننده نگرش‌ها و ایستارهای فردی در مبادرت به فعالیت‌های اجتماعی، تأکید می‌شوند. از این نظر، در بررسی فعالیت‌های جمعی و مشارکتی افراد، باید به میزان احساس تعلق او به جامعه، اعتماد به نفس، خلاقیت، استعدادهای فردی، انگیزه‌های مختلف توجه کرد. از جمله انگیزه‌هایی که در این دیدگاه بر آن تأکید شده است، انگیزه‌های مذهبی، انگیزه پیشرفت، انگیزه شایستگی، انگیزه قدرت، انگیزه کار و ... هستند (لوتانز، ۱۳۷۵). وین دیر از مردمان فاقد مرز صحبت می‌کند. او این افراد را بهره‌مند از انگیزه‌های بالای قناعت، اعتماد و امید می‌داند. مک‌کله‌لند «انگیزه نیاز به پیشرفت» را مقدم بر فعالیت‌های معطوف به رشد اقتصادی و توسعه

شهرستان‌هایی پرداخته است که نوعاً دانشگاه پیام‌نور تنها مرکز آموزش عالی آن شهرستان‌هاست.

عوامل مختلفی بر نگرش دانشجویان نسبت به مشارکت سیاسی تأثیرگذار است. یکی از مهم‌ترین عوامل، اولویت‌های ارزشی است که در تحقیق حاضر با استفاده از مدل ون دیث و اینگلهارت به بررسی تأثیر گرایش‌های ارزشی بر نگرش دانشجویان در-خصوص مشارکت سیاسی پرداخته شده است. از آنجایی که نیمی از دانشجویان دانشگاه پیام‌نور را دختران (و زنان) تشکیل می‌دهند، متغیر جنسیت به عنوان یک متغیر مستقل دیگر در این رابطه وارد شد. که نهایتاً پس از تحدید موضوع و جامعه آماری، کل دانشجویان مراکز دانشگاه پیام‌نور استان همدان به عنوان جامعه آماری در نظر گرفته شدند و سپس ۵۴۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب و مورد بررسی قرار گرفتند.

سوابق نظری

مقدمه

در مطالعه پیرامون مشارکت سیاسی، عوامل گوناگونی به عنوان متغیر مستقل مدنظر قرار گرفته‌اند. در دیدگاه‌های روان‌شناختی بر عواملی همچون انگیزه، سائقه و ویژگی‌های شخصیتی و نیروهای درونی تأکید شده است. صاحب‌نظران دیدگاه روان‌شناختی در بررسی عوامل مشارکت سیاسی، عوامل انگیزشی و مشوق‌های درونی و زمینه‌های روانی - تربیتی را عامل خلاقیت و مشارکت افراد می‌دانند.

در مقابل دیدگاه فوق، دیدگاه جامعه‌شناختی وجود دارد که به سطح روابط اجتماعی کلان و ساخت‌ها نزدیک شده است. از این منظر، فراگردهای اجتماعی، تعیین‌کننده میزان مشارکت هستند. این رویکرد که از تقلیل عوامل مشارکت به سطح عوامل

مایرون وینر گسترش وسایل ارتباط جمعی، ساخت قدرت حاکم و تکوین نوسازی را دلایل عمده مشارکت سیاسی افراد ذکر می‌کند (وینر، ۱۳۵۴).

مدل تحلیلی

مدل تحلیلی مقاله حاضر مبتنی بر طرحی است که جان دبلیو ون دیت^۱ و الینور اسکاربرو^۲ در کتاب اثر/ ارزش‌ها^۳ به کار گرفته‌اند. ون دیت در مقدمه این کتاب یک مدل تحلیلی ساده را برای تجزیه و تحلیل اثر ارزش‌ها ارائه می‌کند. او در توضیح این مدل تحلیلی می‌نویسد: «به رغم تفاوت‌های چندی، به نظر می‌رسد که یک طرح ساده زیربنای بسیاری از دیدگاه‌ها و تفاسیر خاص در تحقیقات مربوط به ارزش‌ها می‌باشد» (ون دیت و اسکاربرو، ۱۹۹۴: ۵). این طرح دو پیش‌فرض دارد: اول اینکه «رفتار فردی» توسط «نیات و مقاصد رفتاری» تعیین می‌شود که آن‌ها هم به نوبه خود توسط ارزش‌ها و سوگیری‌های سیاسی شکل می‌گیرد؛ دومین پیش‌فرض آن است که «ارزش‌های مردم» تا حد زیادی تحت تأثیر «محیط اجتماعی» و «جایگاه اجتماعی» آنان در آن محیط است. ون دیت معتقد است که «این دو پیش‌فرض، دو رشته ارتباط بین سه سطح تحلیل فراهم می‌آورند: «شرایط سطح کلان، سوگیری‌های فردی، رفتار فردی» (همان، ص ۶). از دیدگاه او «رفتار فردی» آخرین مرحله نیست، چراکه در یک فرایند و جریان طولانی، تغییر در رفتار حاکی از وجود تغییر در شرایط سطح کلان است. او به منظور اهداف تحلیلی، این فرایند را به یک مدل سه سطحی ساده تقلیل می‌دهد:

اجتماعی می‌داند (مک کله لند، ۱۹۶۱). رابرت دابلیو وایت از «انگیزه شایستگی» سخن می‌گوید. وایت موقعیت‌ها، شکست‌ها، سازگاری با جامعه خلاقیت و فعالیت‌های اجتماعی افراد را متأثر از انگیزه شایستگی آنان می‌داند. آلفرد ادلر از انگیزه قدرت، آبراهام مازلو از انگیزه کار و پارسنز از انگیزه پایگاه اجتماعی اقتصادی در چگونگی شکل‌گیری شخصیت افراد و تأثیر آن بر رفتارهای اجتماعی اقتصادی آنها سخن می‌گویند.

دیدگاه جامعه‌شناختی

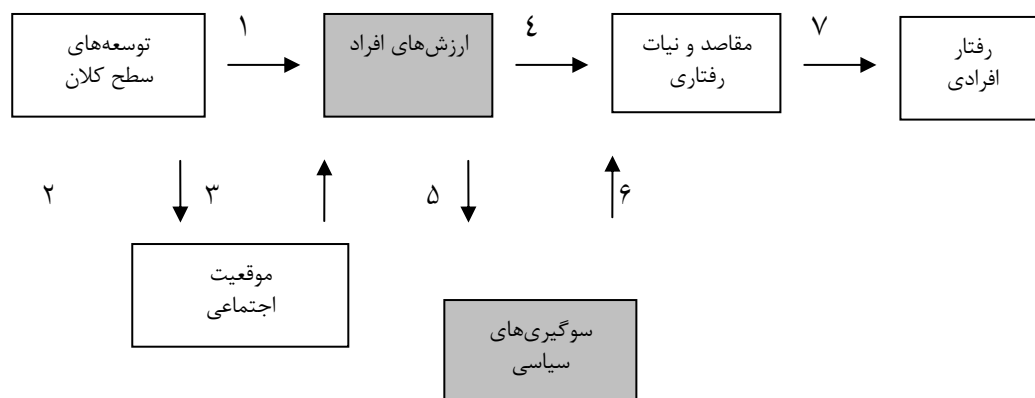
در دیدگاه جامعه‌شناختی، مشارکت بر فرایندهای اجتماعی - اقتصادی، نهادهای خانوادگی، منزلت، نظام تعلیم و تربیت و تأکید دارد. از این نگاه، فراگردهای اجتماعی و بیرونی، تعیین‌کننده میزان مشارکت افراد است. طرفداران این دیدگاه، فرایندهای ساختاری پهن دامنه اجتماعی را نظیر شهرنشینی، گسترش وسایل ارتباط جمعی، ساخت قدرت حاکم، پویایی‌های گروهی، سواد، منزلت اجتماعی را بر مشارکت مؤثر دانسته‌اند. به‌زعم آنان حرکت‌های ساختاری، نگرش‌های مشارکتی افراد را شکل می‌دهند. این نیروها از مجرای ساخت خانوادگی و عوامل تربیت اجتماعی بر کنش کنشگران اجتماعی تأثیر می‌گذارند.

لیپست، از طرفداران این رویکرد، در کتاب *انسان سیاسی*، در بررسی مشارکت سیاسی، اجتماعی، متغیرهای اجتماعی مختلف را وارد می‌کند (لیپست، ۱۹۶۰). هانتینگون منزلت طبقاتی بالاتر و سپس پویایی و احساس گروهی را زمینه شکل‌گیری مشارکت اجتماعی - سیاسی می‌داند (رضایی، ۱۳۷۵). لرنر بر سه فرایند شهرنشینی، سواد و مشارکت رسانه‌ای انگشت می‌گذارد (لرنر، ۱۹۶۴).

1. Jan W. Van Deth 2. Elinor Scarbrough
3. The Impact of Values

پاسخ → تمایلات (گرایشات) → محیط

ابعاد اصلی این مدل برای تجزیه و تحلیل اثر ارزش‌ها در شکل شماره ۱ آمده است:



شکل شماره ۱. مدل تحلیلی به کار گرفته شده توسط ون ویث و اسکاربرو برای تجزیه و تحلیل اثر ارزش‌ها بر نگرش سیاسی

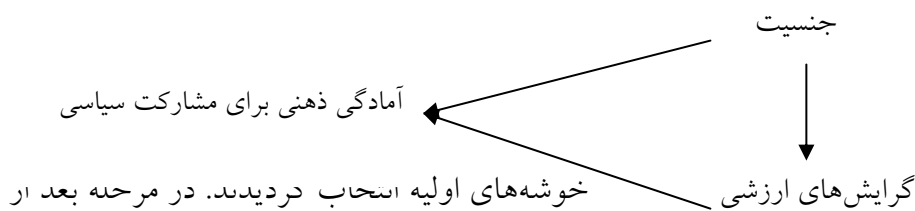
به طور کلی، و ظهور سرمایه‌داری صنعتی، به طور خاص، در نظر می‌گیرد.

از دیدگاه او تعدادی از ابعاد و پیامدهای این فرایند نوسازی عبارت‌اند از: گسترش رفاه، تقسیم کار فزاینده، کاهش در بخش کشاورزی، شهرنشینی، سطوح فزاینده آموزش و پرورش، افزایش تحرک اجتماعی، رشد وسایل ارتباط جمعی و ثبات در نرخ زادوولد و مرگ‌ومیر. این صفات نظام‌مند یک جامعه در اولین سطح تحلیل قرار دارند. تغییرات در این سطح، اثراتی بر ارزش‌های فردی و موقعیت اجتماعی افراد خواهد داشت. اولین زنجیره، رابطه بین صفات نظام‌مند جامعه با سوگیری‌ها و موقعیت‌های افراد است و دومین زنجیره عبارت است از ارتباط بین سوگیری‌های فردی و رفتارهای سیاسی (همان، ص ۷).

او براساس این طرح تحلیلی، دو تفسیر درباره تغییرات سیاسی اجتماعی تشخیص می‌دهد: اولین تفسیر، «سوگیری‌های سیاسی» و مخصوصاً «ارزش‌ها» را به عنوان مفهوم واسطه بین «ویژگی‌های نظام‌مند یک جامعه» از یک طرف، و «رفتار فردی» از طرف دیگر در

قسمت بالایی این طرح دربرگیرنده ساده‌ترین تفسیر از موقعیت ارزش‌ها در نظریه‌های مربوط به تغییرات سیاسی است: «توسعه‌های سطح کلان، شکل دهنده ارزش‌های افراد است و این ارزش‌ها به واسطه «مقاصد و نیات رفتاری»، «رفتار افراد جامعه» را تعیین می‌کنند (همان، ص ۶). او می‌گوید: «یک مسیر دیگر استدلال و برهان عبارت است از تشخیص اینکه «توسعه‌های سطح کلان» دارای یک اثر مستقیم بر موقعیت اجتماعی افراد و اینکه رابطه بین «توسعه‌های سطح کلان» دارای یک اثر مستقیم بر موقعیت اجتماعی افراد است و اینکه رابطه بین «توسعه‌های سطح کلان» و «ارزش‌ها» می‌بایست با مراجعه به این «موقعیت‌های اجتماعی متغیر» تفسیر شوند» (همان‌جا). سرانجام، او «سوگیری‌های سیاسی» را به عنوان دیگر عامل تعیین کننده «مقاصد و نیات رفتاری» در این طرح وارد می‌کند؛ «ارزش‌های افراد» می‌توانند به «سوگیری‌های سیاسی» انتقال پیدا کنند که دارای اثر مشابهی بر «مقاصد و نیات رفتاری» است. متداول‌ترین شکل این دیدگاه، فرایند-های توسعه تکنولوژیکی و رشد اقتصادی را به عنوان پویای زیربنایی تغییرات در شرایط سطح کلان،

جدیدی شده است که مشتمل است بر افرادی با سطوح بالای تحصیلاتی که در نقش‌های شغلی نسبتاً مستقل و مقتدر هستند. البته در مقاله حاضر فقط زنجیره و رابطه شماره ۵ از مدل ون دیت مورد آزمون قرار گرفته است که با توجه به اهمیت متغیر جنسیت، تفاوت‌های جنسی نیز در قالب مدل زیر مورد بررسی قرار گرفته است:



بین دانشجویان مراکز تعیین شده به تناسب رشته تحصیلی، جنسیت، سال ورود و... افراد نمونه به طور تصادفی انتخاب شدند.

سنجش متغیرها و تعریف مفاهیم

در این پژوهش جنسیت و گرایش‌های ارزشی دانشجویان به عنوان متغیرهای مستقل و آمادگی ذهنی برای مشارکت سیاسی به عنوان متغیر وابسته مورد مطالعه قرار گرفته است. متغیر گرایش‌های ارزشی به صورت متغیر واسطه عمل می‌کند که نسبت به جنسیت متغیر وابسته و نسبت به «آمادگی ذهنی برای مشارکت سیاسی» متغیر مستقل است.

الف) آمادگی ذهنی برای مشارکت سیاسی

تعریف مفهومی. نگرش نسبت به مشارکت سیاسی «عبارت است از واکنش و طرز تلقی‌های دانشجویان نسبت به شرکت فعالانه و تأثیرگذاری در فرایندهای تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری در جامعه و دانشگاه» (عبداللهی، ۱۳۷۴: ۶۰). اگر

نظر می‌گیرد. این شیوه استدلال یک موضوع کلاسیک در نظریه‌های جامعه‌شناختی کلان است. شاید معروف‌ترین اثر دوران معاصر در این موضوع، تئوری انقلاب آرام اینگلهارت است. در دومین تفسیر از تغییرات سیاسی و اجتماعی، پایگاه اجتماعی (افراد) به طور مستقیم به ارزش‌ها مرتبط هستند. از این دیدگاه تغییرات اقتصادی اجتماعی منجر به ظهور گروه

روش‌شناسی تحقیق

نوع مطالعه

مقاله حاضر مبنی است بر نتایج حاصل از یک تحقیق پیمایشی که اطلاعات لازم از طریق پرسشنامه جمع‌آوری شده است.

جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری تحقیق حاضر عبارت است از کلیه دانشجویان مراکز دانشگاه پیام‌نور استان همدان در سال ۱۳۸۰ که تعداد کل آنها ۵۱۱۹ نفر بود. از این تعداد با استفاده از فرمول کوکران، ۵۴۰ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. شیوه نمونه‌گیری به صورت خوشه‌ای چندمرحله‌ای بوده است. در مرحله اول از بین ۹ مرکز واقع در استان همدان چهار مرکز به عنوان خوشه‌های اصلی انتخاب شدند، انتخاب مراکز به نحوی صورت گرفت که معرف تنوع قومی و زبانی واقع در استان همدان باشد. از این‌رو مراکز کیودرآهنگ (در شمال)، نهاوند (در جنوب)، اسدآباد (در غرب) و همدان (در مرکز) به عنوان

نظرخواهی از چند تن از اساتید رشته جامعه‌شناسی و علوم سیاسی «اعتبار صوری» گویه‌ها مورد بررسی قرار گرفت تا مشخص شود که آیا گویه‌ها صرفاً موضوع موردنظر را می‌سنجند یا خیر؟ در نهایت، هفت گویه حذف گردید. در مرحله بعد به منظور سنجش میزان «هماهنگی و پایداری درونی» گویه‌ها، یک پرسشنامه مشتمل بر ۲۳ گویه در اختیار ۶۰ دانشجو قرار گرفت و از آنها خواسته شد تا میزان موافقت یا مخالفت خود را نسبت به هر گویه بر روی یک پیوستار ۵ قسمتی علامت بزنند. پس از محاسبه مجموع نمرات پاسخگویان، برای حذف گویه‌های نامناسب و ناهماهنگ با سایر گویه‌ها از روش ضریب همبستگی استفاده شد.

نگرش را به عنوان آمادگی ذهنی قبل از عمل تعریف کنیم در آن صورت: «آمادگی ذهنی دانشجویان برای مشارکت سیاسی عبارت است از تمایل آمادگی ذهنی دانشجویان برای شرکت و تأثیرگذاری در آن دسته فراگردهای سیاسی که منجر به گزینش رهبران سیاسی و تعیین سیاست‌های عمومی در سطوح مختلف اجتماع می‌شود».

شاخص‌سازی. به منظور سنجش آمادگی ذهنی دانشجویان برای مشارکت سیاسی از طیف لیکرت استفاده شد. در مرحله مطالعه اکتشافی تعداد ۳۰ گویه که حدس زده می‌شد به موضوع موردنظر مرتبط هستند با استفاده از منابع موجود در مصاحبه‌های اکتشافی با دانشجویان و صاحب‌نظران طراحی گردید. سپس با

جدول شماره ۱-۳. ضریب همبستگی گویه‌ها با نمره کل آمادگی ذهنی برای مشارکت سیاسی سطح (سطح معنی دار = ۰/۰۵)

شماره گویه	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
همبستگی با نمره کل نگرش	۰/۵۴	۰/۶۲	۰/۵۰	۰/۵۹	۰/۶۴	۰/۶۰	۰/۷۰	۰/۶۵
شماره گویه	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	
همبستگی با نمره کل نگرش	۰/۵۱	۰/۶۴	۰/۷۰	۰/۸۱	۰/۵۷	۰/۶۶	۰/۷۲	

بالاترین نمره‌ای که یک فرد می‌توانست از این طیف ۱۵ گویه اخذ کند ۷۵ و پایین‌ترین نمره ۱۵ بود که می‌توان آن را به صورت زیر در پنج دسته تقسیم‌بندی کرد.

آمادگی برای مشارکت سیاسی	مجموع نمرات کسب شده از طیف ۱۵ گویه‌ای
خیلی کم	۱۵-۲۶
کم	۲۷-۳۸
متوسط	۳۹-۵۰
زیاد	۵۱-۶۲
خیلی زیاد	۶۳-۷۵

ب) گرایش‌های ارزشی

تعریف مفهومی. منظور از اولویت ارزشی در این پژوهش عبارت است از: «اهدافی که مردم آنها را برای جامعه، اجتماع، خانواده و خودشان ترجیح می‌دهند» (نوریس و اینگلهارت، ۲۰۰۴: ۴۰). این تعریف مبتنی است بر تقسیم‌بندی که رونالد اینگلهارت از ارزش‌ها به صورت ارزش‌های مادی و فرامادی ارائه می‌دهد. این تقسیم‌بندی براساس تئوری سلسله مراتب نیازهای مزلو تنظیم شده است (ملکی، ۱۳۷۵: ۱۵۹). اینگلهارت نیازهای زیست‌شناختی و امنیتی را به عنوان نیازهای مادی در نظر گرفته و

گرایش‌های ارزشی نشان می‌دهد. داده‌ها حاکی از آن است که قریب دو پنجم (۳۹/۳ درصد) پاسخگویان گرایش ارزشی متعادل (مادی - فرامادی)، ۳۳/۱ درصد گرایش ارزشی مادی و ۱۳ درصد گرایش ارزشی کاملاً مادی داشته‌اند. شکل توزیع حاکی از تسلط نسبی ارزش‌های مادی بر افکار دانشجویان است.

جدول شماره ۱. توزیع نمونه آماری برحسب گرایش‌های

ارزشی

درصد	فراوانی	گرایشهای ارزشی
۱۳٪	۷۰	کاملاً مادی
۳۳/۱٪	۱۷۹	مادی
۳۹/۳٪	۲۱۲	متعادل
۱۱/۱٪	۶۰	فرامادی
۳/۵٪	۱۹	کاملاً فرامادی
۱۰۰٪	۵۴۰	جمع

ج) آمادگی ذهنی برای مشارکت سیاسی

برای سنجش میزان آمادگی ذهنی دانشجویان برای مشارکت سیاسی از ساختار طیف لیکرت استفاده شده است. جدول شماره ۲ توزیع نمونه آماری را بر حسب نمره کسب‌شده از این طیف نشان می‌دهد. بیشترین فراوانی (۵۲/۸ درصد) مربوط به افرادی است که دارای آمادگی ذهنی متوسطی برای مشارکت سیاسی بوده‌اند، این عده بیش از نیمی از دانشجویان مورد بررسی را تشکیل می‌دهند. در مرتبه بعد (۲۸/۵ درصد) کسانی قرار دارند که دارای آمادگی ذهنی بالایی برای مشارکت سیاسی هستند.

در این میان ۱۳/۵ درصد دانشجویان آمادگی کمی برای

ارزش‌های متناظر با آنها را ارزش‌های مادی نام نهاده و بقیه نیازها یعنی نیاز به عزت نفس، زیباشناختی، و تحقق نفس و غیره را تحت عنوان کلی نیازهای اجتماعی و خودشکوفایی نام نهاده است و ارزش‌های متناظر بر آنها را ارزش‌های فرامادی نام نهاده است (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۷۵).

شاخص سازی جهت سنجش ارزش‌ها از «سنجه دوازده ارزشی» اینگلهارت استفاده شد. در این سنجه از پاسخگو خواسته می‌شود که از بین سه دسته پاسخ چهارگزینه‌ای مشخص کند که به نظر او بهتر است در برنامه پنج ساله آینده کشور کدام هدف بیشتر مد نظر قرار گیرد. در هر دسته از پاسخ‌های دو گزینه معرف اولویت ارزشی مادی و دو گزینه معرف اولویت‌های فرامادی هستند. پس از محاسبه نمرات کسب‌شده از سنجه دوازده ارزشی اینگلهارت پاسخگویان به پنج دسته کاملاً مادی، مادی، مادی - فرامادی، فرامادی و کاملاً فرامادی تقسیم‌بندی شدند.

یافته‌های پژوهش

الف) سیمای نمونه آماری

۱) توزیع نمونه آماری بر حسب جنسیت حاکی از آن است که از مجموع ۵۴۰ نفر نمونه آماری، ۴۸/۱۵ درصد را دانشجویان پسر و ۵۱/۸۵ درصد را دانشجویان دختر تشکیل می‌دهند.

۲) توزیع نمونه آماری بر حسب مرکز دانشگاهی محل تحصیل حاکی از آن است که از کل ۵۴۰ نفر نمونه آماری، ۲۱۶ نفر از مرکز همدان، ۱۵۱ نفر از مرکز نهاوند، ۹۴ نفر از مرکز کبودرآهنگ و ۷۹ نفر از مرکز اسدآباد انتخاب شده‌اند.

ب) گرایش ارزشی

جدول شماره ۱ توزیع نمونه آماری را برحسب

جدول شماره ۲. توزیع نمونه آماری برحسب میزان آمادگی ذهنی برای مشارکت سیاسی

درصد	فراوانی	میزان آمادگی ذهنی برای مشارکت سیاسی	مجموع نمرات کسب شده از طیف ۱۵ گویه ای
۲	۱۱	خیلی کم	۱۵-۲۶
۱۳/۵	۷۳	کم	۲۷-۳۸
۵۲/۸	۲۸۵	متوسط	۳۹-۵۰
۲۸/۵	۱۵۴	زیاد	۵۱-۶۲
۳/۱	۱۷	بسیار زیاد	۶۳-۷۵
۱۰۰٪	۵۴۰		جمع

مشارکت سیاسی از خود نشان داده‌اند. میانگین نمره آمادگی ذهنی پاسخگویان برای مشارکت سیاسی در این تحقیق ۴۷/۵ و انحراف معیار آن ۸/۵۲ بوده است.

جنسیت و ارزش‌ها
جدول شماره ۳ توزیع پاسخگویان را برحسب تأیید نمی‌گردد.

جدول شماره ۳. توزیع نمونه آماری برحسب گرایش‌های ارزشی و به تفکیک جنسیت

جمع	جنسیت		گرایش ارزشی
	مردان	زنان	
۱۹ (۳/۵٪)	۱۰ (۳/۶٪)	۹ (۳/۵٪)	کاملاً فرامادی
۶۰ (۱۱/۱٪)	۲۶ (۹/۳٪)	۳۴ (۱۳/۱٪)	فرامادی
۲۱۲ (۳۹/۹٪)	۱۰۹ (۳۸/۹٪)	۱۰۳ (۳۹/۶٪)	مادی-فرامادی
(۳۳/۱٪)	۹۳ (۳۳/۳٪)	۸۶ (۳۳/۱٪)	مادی
۷۰ (۱۳٪)	۴۳ (۱۵٪)	۲۸ (۱۰/۸٪)	کاملاً مادی
۵۴۰	۲۸۰ (۱۰۰٪)	۲۶۰ (۱۰۰٪)	جمع

۳/۶۲ = کای اسکور

۴ = درجه آزادی

۰/۴۶ = سطح معنی داری

در هر دو گروه دختران و پسران دانشجو، بیشترین تعداد متعلق به کسانی است که دارای گرایش ارزشی متعادل (مادی / فرامادی) بوده‌اند (۳۹/۶ درصد زنان و ۳۸/۹ درصد مردان). پس از آنان افرادی قرار دارند که ارزش‌های مادی برایشان بیشترین اهمیت را داشته است (۳۳/۱٪ زنان، ۳۳/۲٪ مردان). نکته جالب توجه اینکه در هر گروه فقط در حدود ۳/۵ درصد افراد دارای گرایش‌های کاملاً فرامادی بوده‌اند.

لذا نباید انتظار رشد ارزش‌های فرامادی در آنها را داشت.

جنسیت و آمادگی ذهنی برای مشارکت سیاسی
توزیع پاسخگویان برحسب آمادگی ذهنی برای مشارکت سیاسی به تفکیک جنسیت در جدول ۴ نشان داده شده است. با توجه به اینکه آزمون محاسبه شده (کای اسکور) دارای سطح معنی‌دار قابل قبولی نیست، لذا فرض وجود رابطه تأیید نمی‌شود. به بیان دیگر آمادگی ذهنی دانشجویان برای مشارکت سیاسی با جنسیت آنان رابطه معنی‌دار ندارد.

از این‌رو فرضیه وجود رابطه بین جنسیت و گرایش‌های ارزشی مورد تأیید قرار نمی‌گیرد. این امر به نوعی مؤید مفهوم «تأثیرات دوره‌ای» در دیدگاه اینگلهارت است. آثار دوره‌ای بیانگر این مطلب است که دوره‌های رونق و شکوفایی اقتصادی به افزایش فرامادیگری می‌انجامد و دوره‌های کمبود، جنگ، بحران و تورم، مادیگری را به دنبال دارد (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۱۸۹). در دیدگاه او واحد تحلیل فرد نیست بلکه نسل مدنظر است. به بیان دیگر، نسل دانشجویان حاضر در دانشگاه‌های ما دختران و پسرانی (مردان و زنانی) هستند که همگی دوره‌های کمبود، جنگ، بحران، تورم و اینک بیکاری و ... را تجربه کرده‌اند،

جدول شماره ۴ . توزیع نمونه آماری برحسب میزان آمادگی ذهنی برای مشارکت سیاسی به تفکیک جنسیت

جمع	جنسیت		آمادگی ذهنی برای مشارکت سیاسی
	مردان	زنان	
۱۱ (٪۲)	۷ (٪۲/۵)	۴ (٪۱/۵)	خیلی کم
۷۳ (٪۱۳/۵)	۳۷ (٪۱۳/۲)	۳۶ (٪۱۳/۸)	کم
۲۸۵ (٪۵۲/۸)	۱۴۳ (٪۵۱/۱)	۱۴۲ (٪۵۴/۶)	متوسط
(٪۲۸/۵)	۸۵ (٪۳۰/۴)	۶۹ (٪۲۶/۵)	زیاد
۱۷ (٪۳/۱)	۸ (٪۲/۹)	۹ (٪۳/۵)	خیلی زیاد
۵۴۰	۲۸۰ (٪۱۰۰)	۲۶۰ (٪۱۰۰)	جمع

۱/۸۱۸ = کای اسکور

۴ = درجه آزادی

۰/۷۶۹ = سطح معنی داری

سیاسی آمادگی داشته‌اند.
رابطه ارزش‌ها با آمادگی ذهنی برای مشارکت سیاسی
توزیع نمونه آماری برحسب آمادگی ذهنی برای مشارکت سیاسی و به تفکیک گرایش ارزشی در جدول ۵ نشان داده شده است. با توجه به سطح معنی‌داری بسیار بالای ($P = ۰/۰۰۳$ و $۰/۰۰۲$) آزمون‌های محاسبه شده، می‌توان با اطمینان بالایی ادعا کرد که آمادگی ذهنی دانشجویان برای

تقریباً در هر دو گروه پسران و دختران، توزیع این متغیر یکسان است. در هر دو گروه بیشترین فراوانی متعلق به کسانی است که آمادگی ذهنی-شان برای مشارکت سیاسی در حد متوسطی (۵۴/۶٪ زنان و ۵۱/۱٪ مردان) است. با این حال، ۲۶/۵ درصد زنان و ۳۰/۴ درصد مردان آمادگی ذهنی زیادی برای مشارکت سیاسی از خود نشان داده‌اند. در این میان فقط ۳/۵ درصد زنان و ۲/۹ درصد مردان در حد بسیار زیادی برای مشارکت

مشارکت سیاسی تحت تأثیر گرایش‌های ارزشی آنان است.

جدول شماره ۵. توزیع نمونه آماری برحسب میزان آمادگی ذهنی برای مشارکت سیاسی به تفکیک گرایش ارزشی

جمع	گرایش‌های ارزشی					آمادگی ذهنی برای مشارکت سیاسی
	کاملاً فرامادی	فرامادی	مادی / فرامادی	مادی	کاملاً مادی	
۱۱	۰ (%۰)	۱ (%۱/۶)	۸ (%۳/۷)	۰ (%۰)	۲ (%۲/۸۵)	خیلی کم
۷۳	۲ (%۱۰/۵۲)	۴ (%۶/۶۶)	(%۱۲/۷)	۲۲ (%۱۲/۳)	۱۸ (%۲۵/۷)	کم
۲۸۵	۶ (%۳۱/۵۷)	۳۷ (%۱۶/۶)	۹۹ (%۴۶/۷)	۱۰۸ (%۶۰/۳۳)	۳۵ (%۵۰)	متوسط
۱۵۴	۹ (%۴۷/۳۶)	۱۵ (%۲۵)	۷۱ (%۳۳/۵)	۴۵ (%۲۵)	۱۴ (%۲۰)	زیاد
۱۷	۲ (%۱۰/۵۲)	۳ (%۵)	۷ (%۳/۳۰)	۴ (%۲/۲۳)	۱ (%۱/۴۲)	خیلی زیاد
۵۴۰	۱۹ (%۱۰۰)	۶۰ (%۱۰۰)	۲۱۲ (%۱۰۰)	۱۷۹ (%۱۰۰)	۷۰ (%۱۰۰)	جمع

کای اسکور = ۳۵/۷۴۱

tau b = ۰/۱۱۸

tau c = ۰/۰۹۸

Somers d = ۰/۱۱۱

۱۶ = درجه آزادی

۰/۰۰۳ = سطح معنی داری

۰/۰۰۲ = سطح معنی داری

۰/۰۰۲ = سطح معنی داری

۰/۰۰۲ = سطح معنی داری

تئوری ارزش‌های مادی _ فرامادی اینگلهارت تطابق ندارد چراکه مشارکت سیاسی یکی از نیازهای فرامادی است و افرادی که نظام ارزشی مادی دارند، می‌بایست آمادگی ذهنی‌شان برای مشارکت سیاسی کم باشد. در صورتی که از این دسته ۶۰/۳۳ درصد آمادگی متوسط و ۲۵ درصد آمادگی زیادی از خود نشان داده‌اند. وقوع این واقعه تا حد زیادی ناشی از تأثیر متغیرهای مزاحمی همچون تحصیلات، دوره‌های اقتصادی، سن، محل سکونت، وضعیت تأهل، رشته تحصیلی و ... است که تأثیرات آنها مورد مطالعه قرار نگرفته است.

پیش‌بینی آمادگی ذهنی دانشجویان برای مشارکت سیاسی

نتایج حاصله حاکی از آن است که از بین دو متغیر

با توجه به ارقام جدول درمی‌یابیم که بیشترین فراوانی‌ها در مرکز جدول قرار دارند. فراوانی‌های مربوط به مقوله‌های کناری (خیلی کم، خیلی زیاد، و کاملاً فرامادی) کمترین مقادیر هستند. در حالی که فراوانی کسانی که آمادگی ذهنی متوسطی برای مشارکت سیاسی از خود نشان داده‌اند و، همچنین گروهی که گرایش‌های ارزشی متعادل (مادی/ فرامادی) را اتخاذ کرده‌اند، بالاترین فراوانی‌هاست. اگرچه معنی‌دار بودن آزمون‌های محاسبه شده مؤید مدل تحلیلی ون دیت است، اما نوع رابطه کاملاً خطی نیست. اگر ارقام را برحسب آمادگی ذهنی برای مشارکت سیاسی و به تفکیک گرایش‌های ارزشی در نظر بگیریم، درمی‌یابیم که بیشترین فراوانی (۱۰۸ نفر) مربوط به کسانی است که گرایش ارزشی مادی و آمادگی ذهنی متوسطی داشته‌اند. این امر با

مستقل تحقیق حاضر، یعنی گرایش‌های ارزشی و جنسیت، فقط متغیر گرایش‌های ارزشی سطح معنی - داری لازم برای ورود به معادله رگرسیونی احراز کرد و جنسیت از معادله خارج نگه داشته شد.

جدول شماره ۶. ضرایب رگرسیونی متغیرهای مستقل بر آمادگی ذهنی دانشجویان برای مشارکت سیاسی

متغیرهای مستقل	ضرایب رگرسیونی b	ضرایب استاندارد شده (Beta)	s . e	sig
گرایش‌های ارزشی	۰/۳۱۶	۰ / ۱۱۴	۰/۱۱۹	۰/۰۰۸
جنسیت	_____	_____	_____	_____
مقدار ثابت معادله	۴۵/۵۶	_____	۰/۸۱	۰/۰۰۰

جوامع را به سه دسته کاملاً مادی، مادی - فرامادی و کاملاً فرامادی تقسیم‌بندی کنیم: جامعه آماری ما در مرحله انتقالی (مادی - فرامادی) قرار گرفته است به نحوی که اگرچه از یک موقعیت کاملاً مادی جدا شده اما هنوز به یک وضعیت کاملاً فرامادی نرسیده است.

ارقام مربوط به آمادگی ذهنی برای مشارکت سیاسی نیز نشان دهنده یک حالت میانی است، بدین معنی که بیشترین فراوانی مربوط به کسانی است که آمادگی ذهنی آنان برای مشارکت سیاسی در حد متوسطی (۵۲/۸ درصد) است. تقریباً در هر دو گروه پسران و دختران توزیع این متغیر یکسان است.

به رغم مادی بودن ارزش‌ها، آمادگی برای مشارکت سیاسی در حد متوسط و بالا قرار دارد. یکی از تبیین‌های احتمالی درخصوص این امر تأثیر متغیرهای تحصیلات و سن است. توضیح اینکه جامعه آماری مطالعه حاضر دانشجویان جوان دانشگاه هستند که تحت تأثیر فضای دانشجویی، سوگیری سیاسی‌شان تغییر می‌کند. یعنی اگرچه خواسته‌های مادی برای آنها اهمیت دارد، اما حضور در فضای دانشگاه و قرار

می‌توان معادله رگرسیونی زیر را برای پیش‌بینی «آمادگی ذهنی دانشجویان برای مشارکت سیاسی» در جامعه مورد بررسی تنظیم کرد:

$$\text{گرایش‌های ارزشی} = ۴۵/۵۶ + ۰/۳۱۶ \times \text{آمادگی}$$

ذهنی برای مشارکت سیاسی

این معادله حاکی از آن است که به فرض ثابت نگه داشتن اثر متغیر گرایش‌های ارزشی، نمره آمادگی ذهنی دانشجویان برای مشارکت سیاسی (بر روی یک مقیاس ۱۵ تا ۷۵)، ۴۵/۵۶ است. دیگر اینکه در ازای یک واحد تغییر در نمره اولویت ارزشی فرد، به مقدار ۰/۳۱۶ واحد در نمره آمادگی ذهنی او برای مشارکت سیاسی تغییر به وجود خواهد آمد.

خلاصه و نتیجه‌گیری

مشارکت سیاسی متغیر است که عوامل متعددی بر آن تأثیر می‌گذارند. در پژوهش حاضر تأثیر دو متغیر جنسیت و ارزش‌ها بر مشارکت سیاسی دانشجویان مورد بررسی قرار گرفته است. داده‌های مربوط به نظام ارزشی دانشجویان نشان‌دهنده یک جامعه در حال انتقال (در حال گذر) است. بدین معنی که اگر

مشارکت سیاسی را تقویت می‌کند. شاید بتوان گفت

ازکیا، مصطفی (۱۳۷۹)، *جامعه‌شناسی توسعه*، تهران، انتشارات کلمه؛
اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳)، *تحویل فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی*،
ترجمه مریم وتر، چاپ اول، تهران، انتشارات کویر؛
باتامور، تی بی (۱۳۷۱)، *نخبگان جامعه*، ترجمه علیرضا طیب، تهران،
انتشارات دانشگاه تهران؛

باور، یوسف (۱۳۷۴)، *بررسی تأثیر وضعیت اقتصادی اجتماعی دانشجویان*
دانشگاه شیراز بر نگرش آنان نسبت به مشارکت سیاسی زنان، پایان‌نامه
کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز؛
رضایی، عبدالعلی (۱۳۷۵)، «مشارکت اجتماعی؛ هدف یا ابزار توسعه»،
اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۱۱۰-۱۰۹، سال سیزدهم؛
عبدلهی، حسین (۱۳۷۴)، *بررسی تأثیر عوامل اقتصادی اجتماعی بر نگرش*
دانشجویان نسبت به مشارکت سیاسی آنان، اداره کل فرهنگ و ارشاد
اسلامی استان فارس؛

لوتانز، فرد (۱۳۷۵)، *رفتار سازمانی*، ترجمه غلامعلی سرمد، تهران، مؤسسه
بانکداری ایران، چاپ دوم؛

ملکی، امیر (۱۳۷۵)، *بررسی رابطه پایگاه اقتصادی اجتماعی خانواده با نگرش‌های*
ارزشی نوجوانان، مرکز پژوهش‌های بنیادی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛
وینر، مایرون (۱۳۵۴)، *نوسازی جامعه*، ترجمه مقدم مراغه‌ای، تهران، فرانکلین؛

Lerner, Danial (1964), *the passing of Traditional*
society, New York , the Macmillan Com;

Lipest, semour martin (1960), *Political Man* New
York, Anchor Book ;

McClland, David. C (1961), *the Achieving Society*,
New York. The free press, the Macmilian com;

Norris, P. and Inglehart . R. (2004), *Sacred and*
Secular: Religion and Politics Worldwide, Cambridge:
Cambridge University Press;

Von Deth . J . W , Scarbrogh . E (1995), *the Impact*
of values , oxford university press. ■

گرفتن در سن جوانی آمادگی ذهنی آنان برای

که حضور در دانشگاه متغیری است که تأثیر
متغیرهای دیگر بر مشارکت سیاسی را تغییر می‌دهد
(تقویت یا تضعیف). البته تأیید این گفته احتیاج به یک
مطالعه تطبیقی بین جوانان دانشجوی و غیر دانشجوی
دارد.

آنچه که می‌توان با توجه به مطالعه انجام شده به
مسئولان امر در امور فرهنگی سیاسی دانشجویان
دانشگاه ارائه داد عبارت است از اینکه دانشجویان
دانشگاه پیام‌نور آمادگی لازم برای مشارکت را دارند.
از این رو، می‌توان انتظار داشت که اجرای طرح‌هایی
همچون کانون‌ها و انجمن‌های علمی، سیاسی و
صنفی و دیگر نهادهای مدنی- دانشجویی در دانشگاه
پیام‌نور با استقبال روبه‌رو خواهند شد. دیگر اینکه
بین دختران و پسران دانشجوی تفاوت معناداری از این
جهت وجود ندارد.

اگرچه حضور دانشجویان در دانشگاه پیام‌نور به
صورت نیمه حضوری است با این حال به نظر می‌رسد
که این وضعیت می‌تواند سوگیری و رهیافت سیاسی
آنان را تحت تأثیر قرار دهد. لذا می‌توان گفت که
دانشگاه پیام‌نور توانسته است در شهرهایی که هیچ
مرکز آموزش عالی ندارند، تأثیرات فرهنگی سیاسی
داشته باشد. به بیان دیگر، متغیر تحصیلات و آموزش
عالی می‌تواند رهیافت سیاسی افراد را تغییر دهد.

منابع

آقاسی‌زاده، فتح‌الله (۱۳۶۸)، «مسائل و مشکلات دانشجویان دانشگاه‌ها»،
مجله سنبله، شماره ۴۴؛